

نهادهای انتخاباتی و گرایش‌های بودجه‌ای ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران؛ تحلیل محتوای تذکرات نمایندگان دوره هشتم

سید سعید ملک الساداتی*

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

مصطفی سلیمی‌فر

استاد گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

محمد رضا لطفعلی‌پور

استاد گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

هادی قوامی

استاد یار گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۱/۲۷

چکیده

این مقاله به بررسی ارتباط میان نهادهای انتخاباتی و گرایش‌های بودجه‌ای ملی و منطقه‌ای نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران می‌پردازد و درصدد یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش است که: آیا میان اندازه حوزه‌های انتخابیه و نوع سیاست‌های بودجه‌ای مورد نظر نمایندگان از لحاظ ملی یا منطقه‌ای ارتباط معناداری وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش، این مقاله از یک مدل چانه‌زنی در سیاست‌گذاری استفاده نموده و قضایای مستخرج از این مدل را با کمک اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای تذکرات نمایندگان دوره هشتم مجلس مورد آزمون قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد: ۱- نمایندگان حوزه‌های ۲ و ۳ کرسی نیز درست به مانند نمایندگان حوزه‌های تک کرسی خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه خود را بیشتر از طریق پیگیری طرح‌های عمرانی دنبال کرده‌اند، اما نمایندگان حوزه‌های دارای ۴ کرسی و بیشتر، این وظیفه

را بیشتر از طریق سیاست‌های توزیعی مطالبه نموده‌اند؛ ۲- همه نمایندگان در پیگیری طرح‌های عمرانی صرف نظر از اندازه حوزه انتخابیه خود، اهداف منطقه‌ای را بر اهداف ملی مقدم دانسته‌اند. ۳- در پیگیری سیاست‌های بودجه‌ای، نمایندگان حوزه‌های سه کرسی و کمتر برای اهداف منطقه‌ای اولویت بالاتری قائل بوده‌اند.

کلید واژه‌ها: قواعد انتخاباتی، اندازه حوزه انتخابیه، اهداف ملی - منطقه‌ای، تحلیل محتوا، سیاست‌های بودجه‌ای.

طبقه‌بندی JEL: H11, H55

۱. مقدمه

بودجه‌ریزی عمومی در مفهوم کلی و ابتدایی آن عبارت است از تعیین منابع و مصارف یک کشور در یک دوره مالی معین. با این وجود بودجه چارچوبی فراتر از گردآوری اطلاعات در خصوص منابع و مصارف است. در واقع، بودجه‌ریزی شامل «انتخاب‌هایی بین گزینه‌های ممکن سیاستی است که با استفاده از اصول و قواعد معین به عمل می‌آید». بنابراین در نفس بودجه‌ریزی مقوله انتخاب نهفته است و از آنجا که مشارکت مستقیم تمام شهروندان در این انتخاب میسر نیست، بودجه‌ریزی به طور اجتناب‌ناپذیری قرین نمایندگی^۱ است؛ یعنی افراد جامعه ناگزیرند حق تصمیم‌گیری در خصوص نحوه هزینه کردن بخشی از درآمدهایشان را به افرادی دیگر تفویض کنند. در نظام‌های مبتنی بر دموکراسی، رأی‌دهندگان این حق تصمیم‌گیری را به نمایندگان منتخب خود تفویض نموده و از طریق پرداخت مالیات نیز منابع لازم را تجهیز می‌کنند (Von Hagen, 2002). نمایندگان گروه‌ها و مناطق مختلف نیز در یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، از میان گزینه‌های بی‌شمار بودجه‌ای، نحوه تخصیص منابع را تعیین می‌نمایند. در این مسیر یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نمایندگان، اولویت‌بندی میان موضوعات کلان کشور و مسائل مربوط به حوزه انتخابیه است. به تعبیری دیگر، هر نماینده با این مسأله مواجه است که در فرآیند بودجه‌ریزی تا چه اندازه باید به پیگیری اهداف ملی و کلان پردازد و تا چه حد باید

«خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه»^۱ خود را مد نظر قرار دهد. چالش مهم‌تر اینکه پیگیری هر یک از این اهداف از طریق چه نوع سیاست‌هایی امکان‌پذیر است؟ انجام طرح‌های عمرانی بهتر می‌تواند منافع حوزه انتخابیه را تأمین نماید یا اجرای سیاست‌های توزیعی؟ منافع ملی از طریق کدام یک از این سیاست‌ها بهتر برآورده می‌شود؟

اقتصاد نهادی جدید تجزیه و تحلیل نحوه مواجهه نمایندگان با پرسش‌های فوق را مستلزم شناخت محیط نهادی حاکم بر فرآیند تصمیم‌گیری جمعی دانسته، معتقد است تخصیص منابع در بخش عمومی تا حد زیادی به بستر نهادی حاکم بر نحوه گزینش نمایندگان و همچنین رویه‌های متداول در تصمیم‌گیری جمعی توسط آن‌ها مقید است؛ بنابراین نمی‌توان آن را با دیدگاه صرف اقتصادی تحلیل نمود.

این مقاله در چارچوب اقتصاد نهادی جدید و با بهره‌گیری از نظریه اقتصاد سیاسی به تحلیل ارتباط میان نهادهای انتخاباتی کشور و سیاست‌های بودجه‌ای مطالبه شده توسط نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی پرداخته و به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا میان اندازه حوزه‌های انتخابیه و نوع سیاست‌های بودجه‌ای پیگیری شده از سوی نمایندگان ارتباط معناداری وجود دارد؟ به بیان روشن‌تر آیا نوع سیاست‌های بودجه‌ای مورد درخواست نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده^۲ و چندنماینده^۳ یکسان است؟ نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی بیشتر پیگیر منافع ملی هستند یا منافع حوزه انتخابیه؟ نمایندگان حوزه‌های چندکرسی چگونه؟ نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی برای تحقق اهداف خود، بیشتر به پیگیری تدارک کالاهای عمومی می‌پردازند یا سیاست‌های توزیعی؟ نمایندگان حوزه‌های انتخابیه چندکرسی چگونه؟ در پاسخ به این پرسش‌ها، این مقاله از یک مدل چانه‌زنی^۴ در سیاست‌گذاری استفاده نموده و قضایای مستخرج از این مدل را با کمک اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای^۵ تذکرات نمایندگان دوره هشتم مجلس شورای اسلامی مورد آزمون قرار داده است. در ادامه، در بخش دوم این مقاله مبانی

- 1- Constituency Services
- 2- Single Member District
- 3- Multi Member District
- 4- Bargaining
- 5- Content Analysis

نظری تحقیق ارائه شده است. بخش سوم به مرور ادبیات تحقیق اختصاص یافته و در بخش چهارم، ضمن معرفی نوع نظام انتخاباتی کشور، ویژگی‌های حوزه‌های انتخابیه آن، تشریح شده است. در بخش پنجم، ضمن معرفی روش تحقیق به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده و در نهایت در بخش ششم نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مقاله ارائه گردیده است.

۲. مبانی نظری

در علم اقتصاد به طور سنتی، به دولت به عنوان یک «جعبه سیاه»^۱ نگریسته می‌شود که عملکردش بدون توجه به ماهیت، عناصر درونی و روابط میان آن‌ها، در متغیرهای برون‌زایی همچون مخارج دولت، پرداخت‌های انتقالی و ... خلاصه می‌شود. مقوله بودجه‌ریزی نیز در چارچوب متعارف، صرفاً به اصول و فنون تکنیکی بودجه‌ریزی فروکاسته شده است. جای شگفتی نیست اگر این شیوه ساده‌انگارانه در مواجهه با مالیه دولت‌ها، از تبیین حقایقی چون دلایل تفاوت‌های برجسته در ترکیب مخارج دولت‌ها، تفاوت در میزان بدهی و کسری بودجه آن‌ها، تفاوت در نوع و میزان پرداخت‌های انتقالی در کشورهای مختلف و نیز تفاوت در حجم و گستره کالاهای عمومی ارائه شده توسط دولت‌ها ناتوان باشد.

در پاسخ به چنین کاستی‌هایی، شاخه‌های مختلف «اقتصاد نهادی جدید»^۲ همچون انتخاب عمومی^۳ و نظریه اقتصاد سیاسی^۴ اقدام به رمزگشایی از رفتار دولت نموده و از رهگذر تجزیه و تحلیل ارتباط میان عناصر سازنده دولت و نیز نهادهای محدودکننده برهم‌کنش این عناصر، ریشه‌های تفاوت در مالیه عمومی دولت‌ها را جست‌وجو می‌کنند. مکتب انتخاب عمومی، که از آن به مالیه عمومی مدرن تعبیر می‌شود، تفاوت‌های فوق را از دیدگاه عواملی چون رقابت انتخاباتی احزاب سیاسی (Downs, 1957) و (Black, 1948)، کنش جمعی گروه‌های هم‌سود (Olson, 1965)، گرایش و تلاش بوروکرات‌های دستگاه‌ها و دوایر دولتی برای افزایش بودجه در

1- Black Box

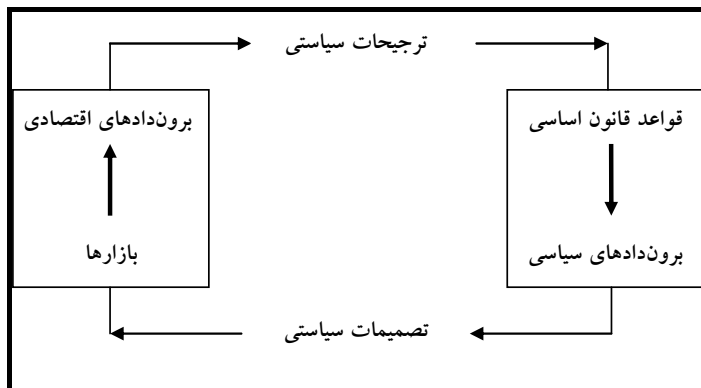
2- New Institutional Economics

3- Public Choice

4- Political Economy

اختیار (Niskanen, 1990) و همچنین رانت جویی (Tullock, 1989) تبیین می‌نماید. نظریه اقتصاد سیاسی نیز که خود ریشه در مکتب انتخاب عمومی دارد، تفاوت در اندازه بودجه دولت‌ها، شکل سیاست‌های توزیعی، حجم و نوع عرضه کالاهای عمومی در کشورهای مختلف را به کارکرد نهادهای سیاسی تجمیع‌کننده خواسته‌ها و ترجیحات شهروندان در این کشورها نسبت می‌دهد؛ یعنی از یک سو به تجزیه و تحلیل فرآیندی می‌پردازد که از طریق آن ترجیحات سیاستی افراد مختلف جامعه، از رهگذر نهادهای سیاسی تعبیه شده در قوانین اساسی^۱، تجمیع شده و در سیاست‌های اقتصادی انعکاس می‌یابد و از سوی دیگر فرآیندی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی با تغییر قیمت‌های نسبی و به تبع آن توزیع منابع، مجدداً ترجیحات سیاستی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (Persson & Tabellini, 2003).

نمودار (۱) که فرآیند تصمیم‌گیری در نظام‌های دموکراتیک را به تصویر می‌کشد، به درک برنامه پژوهشی اقتصاد سیاسی کمک می‌کند. نیمه سمت راست این نمودار، فرآیندی را نشان می‌دهد که از طریق آن ترجیحات سیاستی افراد به تصمیمات سیاستی تبدیل می‌شود و نیمه سمت چپ، آثار متقابل سیاست‌های اقتصادی بر ترجیحات سیاستی را منعکس می‌نماید.



نمودار (۱): فرآیند تصمیم‌گیری در نظام‌های دموکراتیک

مأخذ: (Persson & Tabellini, 2003)

بدیهی است یک سیاست اقتصادی بسته به نتایج و آثار آن، گروه‌های مختلف جامعه را به شکل یکسانی تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. از این رو شهروندان و گروه‌های مختلف جامعه، ترجیحات متفاوت و گاه حتی متضادی در مورد سیاست‌های اقتصادی دارند. نهادهای سیاسی این ترجیحات ناهمگون را در نتایج سیاسی متفاوتی تجمع نموده و این امر به نوبه خود تصمیم‌های سیاستی عمومی را در حوزه اقتصاد شکل می‌دهد (Persson & Tabellini, 2003). به عنوان مثال قواعد نظام انتخاباتی به عنوان یک نهاد سیاسی، تعیین می‌کند که مطالبات سیاستی متنوع شهروندان حوزه‌های انتخابیه مختلف، کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری را چگونه میان نامزدهای احزاب و یا مناطق مختلف توزیع نموده و چه ترکیبی از اعضای مجلس را رقم خواهد زد. در چنین بستری، قواعد تصمیم‌گیری و رویه‌های بودجه‌ریزی نیز مشخص می‌کند که تصمیم جمعی اعضای مجلس قانون‌گذاری به تصویب چه سیاست‌هایی منتهی خواهد شد.

سیاست‌های اتخاذ شده نیز در تعامل با بازارها، قیمت کالاهای مختلف، توزیع منابع و نیز پاداش بخش‌های مختلف اقتصادی را تعیین می‌کنند. این نتایج بازاری هم به نوبه خود ترجیحات سیاستی افراد جامعه را تعدیل خواهند کرد (Persson & Tabellini, 2003).

از میان نهادهای سیاسی مختلف، نظریه اقتصاد سیاسی بیش از هر چیز بر نوع رژیم سیاسی^۱ اعم از پارلمانی یا ریاست جمهوری و همچنین بر نوع نظام انتخاباتی^۲ تمرکز دارد (Persson & Tabellini, 2004). نظام انتخاباتی به بخشی از قواعد انتخاباتی^۳ اطلاق می‌شود که به مرحله نهایی روند انتخابات پرداخته و عناصری چون ساختار رأی‌گیری^۴ اعم از رأی‌گیری فردی یا لیستی، اندازه حوزه انتخابیه^۵ به معنای تعداد کرسی‌های اختصاص یافته به هر حوزه انتخابیه و فرمول انتخاباتی^۶ به معنای ضابطه تبدیل آرا به کرسی‌ها (اعم از نظام اکثریتی، اکثریت نسبی، تناسبی یا مختلط) را در برمی‌گیرد (لاندل، ۲۰۰۵). بدیهی است در هر کشور بسته به ماهیت هر یک از این

1- Political Regime

2- Electoral System

3- Electoral Rules

4- Ballot Structure

5- District Magnitude

6- Electoral Formula

عناصر، می‌توان نظام انتخاباتی متفاوت و به تبع آن رفتار متمایزی را از بازیگران بودجه‌ریزی متصور بود که این امر به نوبه خود در ترکیب خاصی از مخارج دولت انعکاس می‌یابد. به عنوان مثال در سیستم انتخاباتی اکثریتی با حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده، کشور به چندین حوزه انتخابیه افزای شده و از هر حوزه تنها یک نماینده برگزیده می‌شود که معمولاً خدمت‌رسانی به همان حوزه را مأموریت اصلی خود می‌داند. در حالی که در سیستم تناسبی، گستره نمایندگی نمایندگان به مناطق جغرافیایی محدود نمی‌شود و کل اعضای یک حزب یا گروه اجتماعی را صرف نظر از محل استقرارشان در برمی‌گیرد. بر این اساس انتظار بر این است که در سیستم اکثریتی ترکیب مخارج بودجه به نفع کالاهای عمومی که مبنای بهره‌مندی از آن معمولاً سکونت در یک مکان جغرافیایی خاص است، سنگینی کند. در مقابل در سیستم تناسبی انتظار بر آن است که ترکیب مخارج به نفع پرداخت‌های انتقالی به گروه‌ها یا احزاب متمایل باشد (Iversen and Soskice, 2007) و (Chang, 2008).

۲-۱. معرفی مدل

در این قسمت با استفاده از یک مدل چانه‌زنی در سیاست‌گذاری، نشان داده می‌شود که نوع سیاست‌های بودجه‌ای پیگیری شده توسط نمایندگان مجلس در خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه‌شان، ارتباط آشکاری با اندازه این حوزه‌ها دارد. این مدل با اندکی تغییر برگرفته از مدل میلسی فرتی^۱ و همکاران (۲۰۰۱) است که برای تبیین ارتباط میان فرمول انتخاباتی و ترکیب مخارج دولت مورد استفاده قرار گرفته است. تنها تغییر ایجاد شده در مدل مذکور این است که در اینجا به جای مقایسه آثار بودجه‌ای دو فرمول انتخاباتی اکثریتی و تناسبی، با تغییر برخی فروض مدل به مقایسه آثار بودجه‌ای اندازه حوزه‌های انتخابیه پرداخته شده است.

۲-۲. فروض مدل

یک کشور را در نظر بگیرید با مجموعه‌ای از افراد که جمعیت آن‌ها به یک نرمال شده است. این افراد به سه حزب (گروه اجتماعی) با نام‌های A، B و C افزای می‌شوند که به ترتیب سهم

جمعیتی آن‌ها با μ_A ، μ_B و μ_C برابر است. این سهم‌های جمعیتی با یکدیگر متفاوت هستند، اما فرض می‌شود که سهم جمعیتی هیچ یک از سه حزب از ۲۵ درصد کل جمعیت کمتر و از ۵۰ درصد کل جمعیت بیشتر نیست.

فرض می‌شود که کشور از سه منطقه جغرافیایی مختلف به نام‌های K_1 ، K_2 و K_3 تشکیل شده است و همچنین ترکیب جمعیت احزاب در داخل مناطق یکسان است.

فرض می‌شود که رفتار نمایندگان در خدمت‌رسانی به حوزه انتخابیه‌شان از الگوی نمایندگی کامل پیروی می‌کند؛ یعنی تابع بهره‌مندی نمایندگان با تابع بهره‌مندی موکلانشان یکی است. به بیان بهتر نماینده از خدمت‌رسانی به مردم، انگیزه‌ای فراتر از نفس خدمت‌رسانی نداشته و اهدافی فراتر همچون حفظ مسند، انتخاب مجدد و یا کسب رانت را دنبال نمی‌کند.

فرض می‌شود که مخارج دولت، تنها صرف دو گزینه می‌شود. الف) تهیه و تدارک کالاهای عمومی؛ ب) سیاست‌های توزیعی.

عواید حاصل از کالاهای عمومی ماهیتاً به یک محدوده جغرافیایی خاص محدود می‌شوند. در حالی که عواید سیاست‌های توزیعی به یک محدوده جغرافیایی منحصر نمی‌شود و تمامی افراد را صرف نظر از محدوده سکونت، به صرف برخورداری از معیار استحقاق در بر می‌گیرد. به عنوان مثال افزایش حقوق بازنشستگان، بیمه بیکاران و یا وام دانشجویان از جمله سیاست‌هایی هستند که در صورت اجرا به تمامی افراد عضو یک گروه اجتماعی خاص صرف نظر از مکان استقرارشان تعلق می‌گیرد.

فرض می‌شود که همه افراد جامعه از بهره‌وری یکسانی برخوردار بوده و درآمدی معادل یک واحد در اختیار دارند که $(1-t)$ واحد آن به مصرف کالاها و خدمات خصوصی رسیده و t واحد آن به عنوان مالیات به دولت پرداخت می‌شود. با توجه به ترکیب تعریف شده برای مخارج دولت، مطلوبیت فرد i عضو حزب j و ساکن در منطقه K از رابطه زیر تبعیت می‌کند.

$$U_{ijk} = (1-t)^{\alpha_i \beta_i} S_j^{\alpha_i(1-\beta_i)} g_k^{1-\alpha_i} \quad (1)$$

در رابطه فوق، S_j سیاست توزیعی مورد نظر حزب j و g_k کالای عمومی عرضه شده به منطقه K است. در این رابطه، فرد i اولاً از ترجیحات کاب-داگلاس، با وزن α_i میان مصرف کالاهای خصوصی و کالاهای عمومی برخوردار است. ثانیاً درآمد قابل تصرف خود را با وزن β_i میان

درآمد اولیه و درآمد حاصل از انتقالات توزیعی تقسیم می‌کند. پایین‌نویس i نیز بر این امر دلالت دارد که ترجیحات افراد درون هر حزب، یعنی پارامترهای α_i و β_i ، میان اعضا یکسان نبوده و به طور مستقل درون بازه (۰ و ۱) توزیع شده است.

۲-۳. تعیین سیاست‌های بودجه‌ای:

در الگوی فوق، به مانند تمام نظام‌های دموکراتیک، پارامترهای تأثیرگذار بر تابع مطلوبیت افراد اعم از نرخ مالیات، t ، سیاست‌های توزیعی، S_j و کالاهای عمومی، g_K توسط نمایندگان منتخب مردم و در نتیجه یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی تعیین خواهند شد. بنابراین در گام نخست باید به فرآیندی پرداخت که از طریق آن نمایندگان منتخب مردم برگزیده می‌شوند و در گام دوم باید رویه‌های حاکم بر تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌های بودجه‌ای توسط نمایندگان منتخب را تشریح نمود.

گام نخست: فرآیند انتخاب نمایندگان

فرآیند انتخاب نمایندگان ارتباط تنگاتنگی با قواعد حاکم بر نظام انتخاباتی دارد. در اینجا از میان عناصر یک نظام انتخاباتی، بر اندازه حوزه انتخابیه به معنای تعداد کرسی‌های تعلق گرفته به یک حوزه انتخابیه تمرکز شده و دو وضعیت حدی با یکدیگر مقایسه خواهند شد. وضعیت نخست شرایطی است که در آن هر یک از مناطق K_1 ، K_2 و K_3 یک حوزه انتخابیه تک‌نماینده باشند. به بیان بهتر کشور از سه حوزه انتخابیه تک‌نماینده تشکیل شده باشد که هر یک از آن‌ها، تنها یک نماینده انتخاب و به مجلس می‌فرستند. در مقابل وضعیت دوم، شرایطی است که در آن، از مجموع سه منطقه، سه نماینده به مجلس راه می‌یابند. یعنی در مجموع با یک حوزه انتخابیه چندنماینده مواجه هستیم.

گام دوم: رویه تصمیم‌گیری توسط نمایندگان

نمایندگان پس از انتخاب، باید در یک فرآیند تصمیم‌گیری جمعی، اقدام به سیاست‌گذاری

نمایند. در ادبیات انتخاب عمومی مباحث گسترده‌ای پیرامون قواعد تصمیم‌گیری وجود دارد که بهترین معرفی و مرور این مباحث را می‌توان در کتاب «سنجش رضایت»^۱ بوکانان^۲ و تولاک^۳ یافت (Weingast, Shepsle, & Johnsen, 1981). در این بخش، از بین قواعد تصمیم‌گیری مختلف همچون قاعده عمومیت^۴، قاعده اکثریت^۵، قاعده اتفاق آراء^۶ و...، قاعده اکثریت مبنای مدل‌سازی قرار می‌گیرد. بر این اساس هر یک از سیاست‌گذاران، برای تصویب بسته سیاستی پیشنهادی خود، نیازمند آن است که حداقل ائتلاف برنده‌ای^۷ را با خود همراه سازد. بدین منظور پیشنهاددهنده دستور کار^۸ باید ضمن توجه به محدودیت بودجه، ترکیب بسته سیاستی پیشنهادی خود را چنان طراحی کند که رضایت حداقل نیمی از تصمیم‌گیرندگان را جلب نماید. به بیان بهتر بسته سیاستی باید علاوه بر قید بودجه، قید سازگاری انگیزشی را نیز تأمین نماید. (Persson & Tabellini, 2000). در ادامه به تعیین سیاست‌های بودجه‌ای در هر یک از دو ساختار ذکر شده برای حوزه‌های انتخابیه پرداخته خواهد شد. بدین منظور از یک فرآیند بازگشتی استفاده خواهد شد. یعنی نخست با مفروض دانستن فرآیند انتخاب نمایندگان، تصمیمات آن‌ها در مورد سیاست‌ها به صورت تابعی از ترجیحات رأی‌دهندگان استخراج خواهد شد. سپس یک گام به عقب برگشته و به تجزیه و تحلیل شیوه انتخاب نمایندگان توسط رأی‌دهندگان پرداخته خواهد شد.

حوزه‌های انتخابیه تک نماینده

در صورت تک نماینده بودن حوزه‌های انتخابیه، از هر یک از مناطق یک نماینده برگزیده خواهد شد. با توجه به فرض یکسان بودن ترکیب جمعیتی احزاب در مناطق، روشن است که هر سه این نمایندگان عضو یک حزب (حزبی که طرفداران بیشتری دارد مثلاً گروه B) خواهند بود.

-
- 1- The Calculus of Consent
 - 2- James M. Buchanan
 - 3- Gordon Tullock
 - 4- Universalism
 - 5- Majority Rule
 - 6- Unanimity Rule
 - 7- Minimum Winning Coalition
 - 8- Agenda Setter

بنابراین از آن‌ها انتظار می‌رود در انجام وظیفه نمایندگی، سیاست توزیعی S_B و کالاهای عمومی g_{K1} ، g_{K2} و g_{K3} را پیگیری نمایند.

انتخاب سیاست‌ها

با توجه به شرایط فوق، پیروی از قاعده اکثریت در اتخاذ سیاست‌ها به این معناست که هر بسته سیاستی برای تصویب به حداقل ائتلاف برنده‌ای مشتمل بر ۲ نماینده نیاز دارد. با فرض اینکه این دو نماینده منتخبین مناطق K_1 ، K_2 باشند، دولت ائتلافی^۱ تابع مطلوبیت مشترک زیر را حداکثر می‌کند:

$$V^{smd}(k_1, k_2) = (\alpha_{k_1}^* \beta_{k_1}^* + \alpha_{k_2}^* \beta_{k_2}^*) \log(1-t) + (\alpha_{k_1}^* (1-\beta_{k_1}^*) + \alpha_{k_2}^* (1-\beta_{k_2}^*)) \log S_B + (1-\alpha_{k_1}^*) \log g_{k_1} + (1-\alpha_{k_2}^*) \log g_{k_2} \quad (2)$$

در این رابطه بالانویس smd نشان‌دهنده ساختار حوزه‌های انتخابیه تک نماینده و پارامترهای α_{ki}^* و β_{ki}^* بیانگر ترجیحات فرد منتخب منطقه k_i است. بدیهی است این دو نماینده و موکلانشان از کالاهای عمومی متفاوت اما سیاست توزیعی یکسانی مطلوبیت کسب خواهند کرد. حداکثرسازی رابطه (۲) با توجه به محدودیت بودجه زیر انجام خواهد شد.

$$t = \mu_B S_B + g_{k_1} + g_{k_2} \quad (3)$$

با توجه به اینکه در آمد کل اقتصاد معادل یک واحد است، t کل درآمد دولت است که از یک سیستم مالیاتی تناسبی اخذ می‌شود و S_B سیاست توزیعی سرانه‌ای است که تنها به μ_B درصد از جمعیت یعنی اعضای گروه B تعلق می‌گیرد. نتیجه بهینه‌یابی رابطه (۲) با توجه به قید بودجه به صورت زیر است:

$$t^{smd}(k_1, k_2) = \frac{2 - (\alpha_{k_1}^* \beta_{k_1}^* + \alpha_{k_2}^* \beta_{k_2}^*)}{2}$$

۱- در مدل فوق رژیم سیاسی، رژیم پارلمانی در نظر گرفته شده است. با این حال نتایج مدل با فرض رژیم سیاسی ریاست جمهوری تغییر چندانی نخواهد کرد. چرا که در این حالت پیشنهاددهنده دستور کار، قوه مجریه و تصویب کننده آن قوه مقننه خواهد بود. بدیهی است در این حالت نیز دولت برای تصویب بودجه پیشنهادی، نیازمند آن است که با توجه به قید بودجه، ترکیب بسته سیاستی پیشنهادی را چنان طراحی کند که حداقل ائتلاف برنده‌ای از نمایندگان را با خود همراه سازد.

$$s_B^{smd}(k_1, k_2) = \frac{\alpha_{k_1}^*(1 - \beta_{k_1}^*) + \alpha_{k_2}^*(1 - \beta_{k_2}^*)}{2}; \quad s_A^{smd}(k_1, k_2) = 0; \quad s_C^{smd}(k_1, k_2) = 0 \quad (۴)$$

$$g_{k_1}^{smd}(k_1, k_2) = \frac{1 - \alpha_{k_1}^*}{2}; \quad g_{k_2}^{smd}(k_1, k_2) = \frac{1 - \alpha_{k_2}^*}{2}; \quad g_{k_3}^{smd}(k_1, k_2) = 0$$

$$g^{smd}(k_1, k_2) \equiv g_{k_1}^{smd}(k_1, k_2) + g_{k_2}^{smd}(k_1, k_2) = \frac{2 - \alpha_{k_1}^* - \alpha_{k_2}^*}{2}$$

روابط فوق، مقادیر تعادلی متغیرهای سیاستی را با توجه به ترجیحات نمایندگان منتخب نشان می‌دهد. اینک با بازگشت به مرحله انتخاب، باید دید که رأی‌دهندگان از میان نامزدهای موجود با ترجیحات سیاستی متفاوت، کدام نامزد را برمی‌گزینند.

انتخاب نمایندگان

در این بخش برای تبیین نحوه انتخاب رأی‌دهندگان هر منطقه، از قضیه رأی‌دهنده میانی استفاده خواهد شد. با توجه به اینکه در هر منطقه، رأی‌دهنده میانی تأثیرگذارترین فرد بر نتیجه انتخابات است، از میان نامزدهای موجود در هر منطقه، فرد پیروز کسی خواهد بود که ترجیحات وی یعنی پارامترهای α_{ki}^* و β_{ki}^* ، مطلوبیت انتظاری رأی‌دهنده میانی منطقه، یعنی رابطه زیر را حداکثر سازد.

$$E(V_{mBk}^{smd}) = \sum_{r=2}^3 [\alpha_m \beta_m \log(1 - t^{smd}(k_1, k_r)) + \alpha_m (1 - \beta_m) \log s_B^{smd}(k_1, k_r) + (1 - \alpha_m) \log g_{k_1}^{smd}(k_1, k_r)] \quad (۵)$$

رابطه فوق مطلوبیت انتظاری رأی‌دهنده میانی عضو گروه B و ساکن منطقه K_1 را بیان می‌کند که در آن، پایین‌نویس m بر رأی‌دهنده میانی دلالت دارد. با جایگذاری مقادیر متغیرهای $g_{k_1}^{smd}(k_1, k_r)$ و $s_B^{smd}(k_1, k_r)$ ، $t^{smd}(k_1, k_r)$ از رابطه (۴) و حداکثرسازی رابطه فوق نسبت به پارامترهای $\alpha_{k_1}^*$ و $\beta_{k_1}^*$ ، ترجیحات نامزد انتخاباتی ایده‌آل از دیدگاه رأی‌دهنده میانی منطقه K_1 به صورت زیر خواهد بود:

$$\alpha^{*smd} = \frac{\alpha_m}{2 - \alpha_m}; \quad \beta^{*smd} = \beta_m \quad (۶)$$

روابط فوق بر این مسأله دلالت دارند که نامزد پیروز انتخابات، نامزدی است که مقدار β وی با رأی‌دهنده میانی برابر و مقدار α وی از رأی‌دهنده میانی کمتر باشد. مفهوم این نتیجه کاملاً روشن

است. با توجه به اینکه در این وضعیت کل مخارج توزیعی به نفع گروه B هزینه می شود، رأی دهنده میانی عضو گروه B و ساکن در منطقه K_1 تلاش خواهد کرد تصمیم گیری های بودجه ای را به سوی کالاهای عمومی خاص منطقه خود متمایل سازد. بدیهی است برای رأی دهنده میانی به عنوان رأی دهنده تعیین کننده نتیجه انتخابات، تحقق این هدف مستلزم برگزیدن نامزدی است که در تابع مطلوبیت خود، ارزش بیشتری برای کالاهای عمومی قائل باشد.

حوزه های انتخابیه چند نماینده

برای تحلیل نحوه تعیین سیاست ها در حوزه های انتخابیه چند نماینده، در این قسمت شرایطی در نظر گرفته می شود که در آن سه حوزه انتخابیه کوچک K_1 ، K_2 و K_3 ، با یکدیگر جمع شده و از مجموع آن ها سه نماینده به مجلس راه یابد. با توجه به این فرض که سهم جمعیتی هیچ یک از سه حزب از ۲۵ درصد کل جمعیت کمتر و از ۵۰ درصد کل جمعیت بیشتر نیست، روشن است که در این وضعیت هر یک از سه حزب A، B و C یک نماینده به مجلس خواهند فرستاد. بنابراین انتظار بر این است که آن ها در انجام وظیفه نمایندگی خود، سیاست توزیعی S_A ، S_B و S_C و کالاهای عمومی با منافع عام را پیگیری نمایند.

انتخاب سیاست ها

با توجه به اینکه تصمیم گیری در خصوص سیاست های بودجه ای از قاعده اکثریت پیروی می کند، در این وضعیت نیز تصویب هر بسته سیاستی نیازمند تشکیل حداقل ائتلاف برنده ای متشکل از دو نماینده است. با فرض اینکه این دو نماینده، نمایندگان گروه های A و B باشند، دولت ائتلافی تابع مطلوبیت مشترک زیر را حداکثر خواهد کرد:

$$V^{mmd}(j_1, j_2) = (\alpha_{j_1}^* \beta_{j_1}^* + \alpha_{j_2}^* \beta_{j_2}^*) \log(1-t) + (\alpha_{j_1}^* (1 - \beta_{j_1}^*)) \log s_{j_1} + (\alpha_{j_2}^* (1 - \beta_{j_2}^*)) \log s_{j_2} + (2 - \alpha_{j_1}^* - \alpha_{j_2}^*) \log(g/3) \quad (7)$$

در این رابطه بالانویس mmd نشان دهنده ساختار حوزه های انتخابیه چند نماینده و پارامترهای $\alpha_{j_1}^*$ و $\beta_{j_1}^*$ بیانگر ترجیحات نماینده منتخب گروه j_1 است. روشن است که در این وضعیت هر نماینده و گروه مرجعش از سیاست توزیعی متفاوتی مطلوبیت کسب خواهد کرد. اما نمی توان هیچ کالای عمومی منطقه ای را یافت که بتواند یک گروه اجتماعی را به طور کامل اقناع

نماید. از این رو هر یک از نمایندگان برای خدمت‌رسانی به موکلانشان ناگزیر از پیگیری یک کالای عمومی فرامنطقه‌ای (ملی) هستند که منافع آن همه مناطق را پوشش دهد. از حداکثرسازی رابطه (۷) نسبت به محدودیت بودجه $t = \mu_{j_1} s_{j_1} + \mu_{j_2} s_{j_2} + g$ متغیرهای سیاستی زیر به دست خواهد آمد. در رابطه بودجه متغیر g نشان دهنده کالای عمومی فرامنطقه‌ای یا ملی است.

$$t^{mmd}(j_1, j_2) = \frac{2 - (\alpha_{j_1}^* \beta_{j_1}^* + \alpha_{j_2}^* \beta_{j_2}^*)}{2}$$

$$s_{j_1}^{mmd}(j_1, j_2) = \frac{\alpha_{j_1}^* (1 - \beta_{j_1}^*)}{2}; \quad s_{j_2}^{mmd}(j_1, j_2) = \frac{\alpha_{j_2}^* (1 - \beta_{j_2}^*)}{2}; \quad s_{j_3}^{mmd}(j_1, j_2) = 0$$

$$s^{mmd}(j_1, j_2) \equiv s_{j_1}^{mmd}(j_1, j_2) + s_{j_2}^{mmd}(j_1, j_2) = \frac{\alpha_{j_1}^* (1 - \beta_{j_1}^*) + \alpha_{j_2}^* (1 - \beta_{j_2}^*)}{2} \quad (8)$$

$$g^{mmd}(j_1, j_2) \equiv g_{j_1}^{mmd}(j_1, j_2) + g_{j_2}^{mmd}(j_1, j_2) + g_{j_3}^{mmd}(j_1, j_2) = \frac{2 - \alpha_{j_1}^* - \alpha_{j_2}^*}{2}$$

این روابط، مقادیر تعادلی متغیرهای سیاستی را با توجه به ترجیحات نمایندگان منتخب نشان می‌دهد. در مرحله بعد مشخص خواهد شد که رأی‌دهندگان از میان نامزدهای موجود با ترجیحات سیاستی متفاوت، به کدام نامزد رأی خواهند داد.

انتخاب نمایندگان

به روشی مشابه قبل، رأی‌دهنده میانی حزب j_1 ، از میان نامزدهای مختلف این حزب با پارامترهای $\alpha_{j_1}^*$ و $\beta_{j_1}^*$ فردی را برمی‌گزیند که مطلوبیت انتظاری وی یعنی رابطه زیر را حداکثر سازد.

$$E(V_{jm}^{mmd}) = \sum_{r=2}^3 [\alpha_m \beta_m \log(1 - t^{mmd}(j_1, j_r)) + \alpha_m (1 - \beta_m) \log s_{j_1}^{mmd}(j_1, j_r) + (1 - \alpha_m) \log g^{mmd}(j_1, j_r)] \quad (9)$$

این رابطه مطلوبیت انتظاری رأی‌دهنده میانی حزب j_1 را بیان می‌کند. با جایگذاری متغیرهای t^{mmd} ، s_B^{mmd} و g^{mmd} از رابطه (۹) و حداکثرسازی رابطه (۹) نسبت به پارامترهای $\alpha_{j_1}^*$ و $\beta_{j_1}^*$ ، ترجیحات نامزد ایده‌آل از دیدگاه رأی‌دهنده میانی حزب j_1 به صورت زیر خواهد بود:

$$\alpha^{*mmd} = \frac{\alpha_m (2 - \beta_m)}{1 + \alpha_m (1 - \beta_m)}; \quad \beta^{*mmd} = \frac{\beta_m}{2 - \beta_m} \quad (10)$$

رابطه فوق بر این امر دلالت دارد که رأی‌دهنده میانی به عنوان رأی‌دهنده تعیین‌کننده نتیجه

انتخابات، فردی را برمی‌گزیند که ارزش α برای وی بیش از میانه و ارزش β برای وی کمتر از میانه باشد. مفهوم این نتیجه کاملاً روشن است. با توجه به اینکه مخارج صرف شده روی کالای عمومی در همه مناطق یکسان است، اما هر گروه از سیاست توزیعی متفاوتی مطلوبیت کسب می‌کند، رأی‌دهنده میانی تلاش خواهد کرد نتیجه تصمیم‌گیری دولت را به سوی سیاست توزیعی مورد نظر خود متمایل سازد و این هدف را از طریق رأی دادن به نامزدی عملی خواهد کرد که به طور نسبی طرفدار مخارج بیشتر روی سیاست‌های انتقالی باشد تا کالای عمومی.

ادبیات تحقیق

ادبیات نظری و تجربی گسترده‌ای در ارتباط با تأثیر نهادها بر مالیه دولت‌ها وجود دارد. این مطالعات عمدتاً به بررسی رابطه نهادهای انتخاباتی به ویژه سه عنصر اصلی تشکیل دهنده نظام انتخاباتی یعنی اندازه حوزه انتخابیه، فرمول انتخاباتی و ساختار رأی‌گیری با ترکیب سیاست‌های بودجه‌ای و نیز اندازه کلی مخارج دولت می‌پردازند. اگرچه در کشورهای مختلف ترکیبات متفاوتی از این سه عنصر به چشم می‌خورد و به همین اعتبار می‌توان ادعا کرد که نظام انتخاباتی در هیچ دو کشوری دقیقاً یکسان نیست، اما روح کلی حاکم بر مطالعات مذکور این است که ترکیبی از اندازه حوزه‌های انتخابیه کوچک، فرمول انتخاباتی اکثریتی و ساختار رأی‌دهی به افراد، نتیجه انتخابات را تا حد زیادی به عملکرد فردی افراد وابسته می‌سازد. در چنین شرایطی سیاست‌مداران ترغیب می‌شوند که منابع بودجه را از طریق کالاهای عمومی محلی به حوزه انتخابیه کوچک اما تأثیرگذار خود سوق بدهند. در مقابل ترکیبی از اندازه حوزه‌های انتخابیه بزرگ، فرمول انتخاباتی تناسبی و رأی‌دهی به لیست‌های احزاب، نتیجه انتخابات را به عملکرد متوسط کل کاندیداهای یک حزب وابسته می‌سازد. در چنین ساختاری، سیاست‌مداران انگیزه خواهند داشت از سیاست‌هایی چون کالاهای عمومی همگانی و یا برنامه‌های توزیعی عام‌المنفعه‌ای که به گروه وسیع‌تری از افراد جامعه فایده می‌رسانند، حمایت کنند. در ادامه به طور مختصر به برخی از مهم‌ترین این مطالعات اشاره شده است.

لیزری و پریسکو^۱ (۲۰۰۱) مدلی ارائه می کنند که در آن دو نامزد انتخاباتی پیش از شروع انتخابات، وعده های الزام آوری مبنی بر اجرای دو نوع سیاست بودجه ای به طرفداران خود می دهند. این سیاست ها عبارتند از کالای عمومی همگانی و سیاست توزیعی که اجرای آن تنها یک منطقه جغرافیایی خاص را منتفع می سازد. نتایج آن ها دلالت بر این دارد که حتی اگر کالای عمومی برای افراد ارزشمندتر باشد، در سیستم اکثریتی روی هم رفته عرضه کالاهای عمومی همگانی کمتر از سیستم تناسبی است.

پرسون و تابلینی^۲ (۲۰۰۴) در نمونه ای مشتمل بر ۹۰ دموکراسی دریافتند که کشورهای دارای نظام اکثریتی از دولت کوچکتری نسبت به نظام های تناسبی برخوردارند. در نمونه ای دیگر شامل ۶۰ کشور پرسون و تابلینی (۲۰۰۳ الف) نتیجه گرفتند که همه این کشورها طی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ اندازه دولتشان را گسترش داده اند، اما کشورهای دارای نظام اکثریتی رشد کمتری را در مخارج دولت تجربه کرده اند. لیدو^۳ (۲۰۰۳) با استفاده از داده های تابلویی ایالات برزیل نتیجه می گیرد که هر چه سیستم انتخاباتی غیر تناسبی تر و ساختار ایالات همگن تر باشد، منابع بیشتری به کالاهای عمومی و منابع کمتری به انتقالات تخصیص می یابد.

پرسون و تابلینی (۲۰۰۳ ب) با کمک اطلاعات مربوط به ۸۵ کشور طی دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۸ نشان می دهند که سیستم های انتخاباتی تأثیر معناداری روی متغیرهای اقتصادی دارد. بر اساس یافته های آنها در سیستم های اکثریتی مخارج دولت مرکزی به اندازه ۳ درصد GDP کمتر از سیستم های تناسبی است. در بین این کشورها، مخارج خدمات اجتماعی به میزان ۲ تا ۳ درصد و کسری بودجه به اندازه ۱ تا ۲ درصد در سیستم های اکثریتی کمتر از تناسبی است. بلوم^۴ و همکاران (۲۰۰۹)، نتایج پرسون و تابلینی (۲۰۰۳ ب) را تکرار کرده و با در نظر گرفتن برخی متغیرهای کنترل، دریافتند که اندازه حوزه های انتخابیه و نسبت نمایندگان به طور مستقل انتخاب شده^۵ در مقایسه با سیستم انتخاباتی از اثر بزرگ تر و البته معنادارتری برخوردارند.

1- Lizzeri and Persico

2- Persson and Tabellini

3- Lledo

4- Blume

5- Individually Elected Candidates

آشورث (۲۰۰۶) و (۲۰۰۷) با استفاده از نظریه رقابت انتخاباتی^۱ نشان می‌دهد که در حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده و حوزه‌های به لحاظ ایدئولوژیکی متوازن، انگیزه خدمت‌رسانی نمایندگان بیشتر است.

کیفر و خمانی^۲ (۲۰۰۹) با استفاده از اطلاعات ایالت‌های هند به این نتیجه رسیدند که تلاش نمایندگان در حوزه‌های انتخابیه‌ای که در آنها رأی‌دهندگان وابستگی بیشتری به احزاب دارند، کمتر است و کاندیداهای عضو احزاب گرایش کمتری به ارائه کالاهای عمومی محلی دارند. ایورسن و سوسکیس^۳ (۲۰۰۶) با استفاده از اطلاعات پانل مربوط به مخارج توزیعی و نیز سیستم انتخاباتی در ۱۴ کشور اروپا طی دوره ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۷ دریافتند که در سیستم‌های تناسبی مخارج توزیعی بیش از سیستم‌های اکثریتی است. در همین زمینه چانگ^۴ (۲۰۰۸) با استفاده از اطلاعات بودجه ۲۱ کشور OECD در دوره ۱۹۷۳ تا ۲۰۰۰، نشان داد که در سیستم‌های مبتنی بر حوزه‌های انتخابیه تک‌نماینده، مخارج صرف شده در مناطق بیشتر و در سیستم‌های مبتنی بر فرمول تناسبی مخارج مربوط به سیاست‌های رفاه اجتماعی بالاتر است.

هلند و سورنسن^۵ (۲۰۰۹)، با تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به ویژگی‌های رأی‌دهندگان، ویژگی‌های نمایندگان و حجم مالیات‌ها و نیز سرمایه‌گذاری‌های انجام شده روی پروژه‌های راه در ۱۹ حوزه انتخابیه کشور نروژ طی دوره ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۷، نتیجه می‌گیرند که تعداد رأی‌دهندگان شناور، فقدان هویت حزبی و تعداد نمایندگانی که هر حوزه انتخابیه را نمایندگی می‌کنند، تأثیر معناداری بر اندازه پروژه‌ها مناطق دارد.

اما در میان مطالعات داخلی، شاید بتوان نزدیک‌ترین مطالعه به موضوع این مقاله را سعید و همکاران (۱۳۸۲) دانست. این محققین در مطالعه‌ای پیمایشی با هدف شناسایی رفتارها و نگرش‌های نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه، به بررسی ارتباط برخی عناصر نظام انتخاباتی از قبیل اندازه حوزه انتخابیه و ساختار رأی‌دهی با انگیزه

1- Electoral Competition Theory

2- Keefer and Khemani

3- Iversen and Soskice

4- Chang

5- Helland and Sorensen

خدمات‌رسانی نمایندگان پرداخته‌اند. مطابق با یافته‌های آنها، افزایش تعداد کرسی‌های یک حوزه انتخابیه، قرارداد داشتن نماینده در فهرست‌های انتخاباتی و همچنین تعلق نماینده به احزاب جناح چپ ارتباط منفی معناداری با میزان خدمات‌رسانی وی به حوزه‌های انتخابیه‌اش دارد. علاوه بر این ارتباط مثبت معناداری میان انگیزه انتخاب مجدد و میزان خدماتی که نماینده به حوزه انتخابیه‌اش ارائه می‌دهد، وجود دارد.

ویژگی نظام انتخاباتی در کشور

نظام انتخاباتی در ایران به لحاظ فرمول انتخاباتی از الگوی اکثریت دوم‌مرحله‌ای پیروی می‌کند (بهنیا، ۱۳۸۸). در این فرمول، اگر یک نامزد در مرحله اول اکثریت مطلق آرا را از آن خود کند، انتخاب خواهد شد. اما اگر هیچ‌کس نتواند ۵۰ درصد کل آرا را کسب کند، مرحله دوم انتخابات معمولاً ظرف یک یا دو هفته آینده برگزار خواهد شد. در نظام اکثریت دوم‌مرحله‌ای، مرحله دوم رأی‌گیری به دو شیوه قابل اجرا است. فرمول اکثریت مرحله‌نهایی و فرمول اکثریت-اکثریت نسبی. در فرمول اکثریت مرحله‌نهایی، مرحله دوم بین دو نامزدی برگزار می‌شود که بیشترین آرا را در مرحله اول از آن خود کرده‌اند. اما در فرمول اکثریت-اکثریت نسبی، چنین کاهش چشمگیری در تعداد رقبا در مرحله دوم صورت نمی‌گیرد. در این روش حد آستانه‌ای برای ورود نامزدها به مرحله دوم تعیین شده و از میان نامزدهای راه یافته به مرحله دوم، افرادی برگزیده می‌شوند که اکثریت نسبی آرا را کسب کنند (لاندل، ۲۰۰۵). قانون اولیه انتخابات در ایران با الهام از کشور فرانسه به طور دقیق این‌گونه بوده است. با این وجود در اصلاحیه‌های بعدی، میزان آرای مورد نیاز در دور اول از پنجاه درصد به علاوه یک، به سی درصد به علاوه یک و سپس به بیست و پنج درصد به علاوه یک تنزل یافت که این نقص بزرگی برای این نوع نظام انتخاباتی به شمار می‌رود (دفتر مطالعات سیاسی، ۲۰۰۲).

علاوه بر فرمول انتخاباتی، نحوه تعیین حوزه‌های انتخابیه نیز عامل مهمی است که ماهیت یک نظام انتخاباتی و نتایج حاصل از آن را رقم می‌زند. کشورهای مختلف در حوزه‌بندی انتخاباتی از روش‌های متفاوتی استفاده می‌کنند که برگزاری تک‌حوزه‌ای انتخابات پارلمانی و برگزاری انتخابات در حوزه‌های انتخابیه تک‌کرسی، دو حالت حدی آن به شمار می‌روند. در حالت نخست که در کشورهایی مانند هلند و اسرائیل به کار می‌رود، به منظور برگزاری انتخابات پارلمانی، کل

کشور به یک حوزه انتخابیه واحد تبدیل می‌شود. اما در حالت دوم، به تعداد کرسی‌های موجود در پارلمان، حوزه انتخابیه وجود دارد. این بدان معناست که تمامی حوزه‌های انتخابیه تک کرسی هستند. به عنوان مثال، در انتخابات مجلس ملی فرانسه و انتخابات مجلس عوام انگلستان، به تعداد کرسی‌های نمایندگی، حوزه انتخابیه موجود است. حوزه‌بندی کنونی انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران به گونه‌ای است که در آن هم حوزه‌های تک کرسی و هم حوزه‌های چند کرسی وجود دارند (تقی‌زاده و ضرغامی، ۲۰۰۹). در این انتخابات در مجموع از ۲۰۷ حوزه انتخابیه، تعداد ۲۹۰ نماینده به مجلس راه می‌یابند که ۱۷۲ نفر آن‌ها نماینده حوزه‌های تک کرسی و ۱۱۸ نفر، نماینده حوزه‌های چند کرسی هستند. جدول (۱) ترکیب حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن‌ها را نمایش می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود ۴۴ نفر از نمایندگان مجلس از ۲۲ حوزه دونماینده، ۲۴ نفر از ۸ حوزه سه نماینده (شامل حوزه‌های انتخابیه ارومیه، اردبیل، اهواز، آبادان، قم، کرمانشاه، رشت و بندرعباس)، ۴ نفر از حوزه انتخابیه چهار نماینده شیراز، ۱۰ نفر از دو حوزه انتخابیه پنج‌نماینده مشهد و اصفهان، ۶ نفر از حوزه انتخابیه شش‌نماینده تبریز و در نهایت ۳۰ نفر از حوزه انتخابیه تهران، ری، شمیرانات و اسلامشهر به مجلس راه می‌یابند.

جدول (۱): ترکیب حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان آن‌ها

نوع حوزه انتخابیه	تک کرسی	دو کرسی	سه کرسی	چهار کرسی	پنج کرسی	شش کرسی	سی کرسی	جمع
تعداد حوزه	۱۷۲	۲۲	۸	۱	۲	۱	۱	۲۰۷
تعداد نمایندگان	۱۷۲	۴۴	۲۴	۴	۱۰	۶	۳۰	۲۹۰
درصد	۵۹,۳	۱۵,۲	۸,۳	۱,۴	۳,۴	۲,۱	۱۰,۳	۱۰۰

مأخذ: وزارت کشور، جدول حوزه‌های انتخابیه در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۰.

این مقاله از میان نهادهای تشکیل دهنده یک نظام انتخاباتی، بر اندازه حوزه‌های انتخابیه تمرکز نموده و تلاش می‌کند ارتباط اندازه حوزه‌های انتخابیه کشور را با گرایش‌های بودجه‌ای نمایندگان مجلس در قالب فرضیه‌های ذیل، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد:

نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک کرسی بیش از نمایندگان حوزه‌های انتخابیه چند کرسی، به

پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی می‌پردازند.

نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک کرسی، بیشتر به پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی منطقه‌ای می‌پردازند تا طرح‌های عمرانی ملی.

نمایندگان حوزه‌های انتخابیه چند کرسی، بیشتر به پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی ملی می‌پردازند تا طرح‌های عمرانی منطقه‌ای.

علاوه بر سه فرضیه فوق که از مدل نظری بخش قبل استخراج شده‌اند، این تحقیق دو فرضیه دیگر را نیز مورد آزمون قرار خواهد داد.

نمایندگان حوزه‌های انتخابیه تک کرسی، بیشتر به پیگیری اهداف منطقه‌ای می‌پردازند تا اهداف ملی.

نمایندگان حوزه‌های انتخابیه چند کرسی، بیشتر به پیگیری اهداف ملی می‌پردازند تا اهداف منطقه‌ای.

روش تحقیق:

نوع مطالعه، روش گردآوری اطلاعات و پاسخ‌گویی به فرضیه‌ها

تحقیق پیش رو به لحاظ نوع، یک تحقیق توصیفی و روش تحقیق آن، روش تحلیلی است. در این تحقیق برای گردآوری اطلاعات از تکنیک تحلیل محتوا استفاده شده و پاسخ‌گویی به سؤالات و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز، از طریق آزمون فرض آماری انجام شده است. بدین منظور متن تذکرات نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مسئولین دستگاه‌های اجرایی که در اغلب جلسات مجلس ارائه و قرائت می‌شود، بررسی و پس از تجزیه و تحلیل، بر اساس گرایش‌های بودجه‌ای نمایندگان تذکره‌دهنده به شیوه‌ای روش‌مند طبقه‌بندی شده‌اند. منطق انتخاب تذکرات نمایندگان به عنوان محتوای مورد پردازش این است که این تذکرات منعکس‌کننده رفتارهای عملی نمایندگان بوده و از این رو به بهترین شکل می‌تواند گرایش‌های بودجه‌ای بالفعل آن‌ها را منعکس نماید.

جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق، تذکرات بودجه‌ای ارائه شده در دو سال نخست مجلس هشتم است.

این تذکرات بر اساس اندازه حوزه انتخابیه نماینده ارائه کننده آن به چند طبقه تفکیک و از میان تذکرات هر طبقه، با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ و مطابق با قاعده کوکران، نمونه آماری قابل قبول انتخاب گردیده است. با توجه به اینکه هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مستلزم در اختیار داشتن به‌هنگام‌ترین اطلاعات از پدیده مورد بررسی است، در این تحقیق نیز آخرین تذکرات مکتوب مجلس شورای اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجا که مشروح مذاکرات دو سال پایانی مجلس هشتم و نیز جلسات نه ماه نخست مجلس نهم (در زمان نگارش این مقاله)، به صورت مکتوب در اختیار نبوده است، تذکرات دو سال نخست مجلس هشتم در حقیقت، به روزترین اطلاعات مکتوب در دسترس به شمار می‌آیند.

روش گردآوری اطلاعات

در دوره دو ساله مورد بررسی، مجلس شورای اسلامی تعداد ۱۹۸ جلسه برگزار نموده که ۱۹ جلسه آن فاقد تذکر بوده و در ۱۷۹ جلسه باقی‌مانده در مجموع تعداد ۷۱۳۵ تذکر از سوی نمایندگان به مسئولین دستگاه‌های اجرایی کشور ایراد شده است. با توجه به اهداف این مقاله و به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، باید این تذکرات را بسته به محتوا، مطابق با طبقه‌بندی ارائه شده در جدول (۲)، در گروه‌های مجزا تفکیک نمود.

جدول (۲): طبقه‌بندی تذکرات نمایندگان مجلس هشتم به مسئولین دستگاه‌های اجرایی

۱- تذکرات غیربودجه‌ای			انواع تذکرات
۱-۱-۲- تذکرات بودجه‌ای عمرانی منطقه‌ای	۱-۲- تذکرات بودجه‌ای عمرانی	۲- تذکرات بودجه‌ای	
۲-۱-۲- تذکرات بودجه‌ای عمرانی ملی			
۱-۲-۲- تذکرات بودجه‌ای جاری منطقه‌ای	۲-۲- تذکرات بودجه‌ای جاری	۲-۲- تذکرات بودجه‌ای جاری	
۲-۲-۲- تذکرات بودجه‌ای جاری ملی			

مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس مشروح مذاکرات جلسات ۱ تا ۱۹۷ دوره هشتم مجلس شورای اسلامی

باید توجه داشت که تذکرات ارائه شده توسط نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به

مسئولین دستگاه‌های اجرایی طیف گسترده‌ای از موضوعات را در برمی‌گیرد که از زوایای متفاوت و با چارچوب‌های نظری مختلفی قابل تجزیه و تحلیل هستند. بدیهی است طبقه‌بندی فوق تنها یکی از انواع دسته‌بندی‌های ممکن در این خصوص است که با توجه به چارچوب نظری تحقیق انجام شده است. در این طبقه‌بندی، با استناد به نظرات جمعی از خبرگان و کارشناسان بودجه‌ریزی کشور^۱ از تعاریف عملیاتی زیر بهره گرفته شده است:

تذکرات غیربودجه‌ای: تذکراتی که عمل به آن‌ها توسط دستگاه اجرایی مربوطه، مستقیماً برای دولت بار مالی به همراه نداشته و یا از بار مالی دولت نمی‌کاهد. به عنوان مثال مواردی مانند «تذکر درخصوص رسیدگی به ضعف مدیریت و بی‌تدبیری رئیس سازمان...»، «تذکر درخصوص برخورد قاطع با هنجارشکنی مکرر بعضی از سفارتخانه‌های خارجی»، «تذکر درخصوص رسیدگی به عملکرد ضعیف تیم‌های ورزشی ایران در مسابقات...» در شمار تذکرات غیربودجه‌ای قرار می‌گیرند.

تذکرات بودجه‌ای: تذکراتی که عمل به آن‌ها توسط دستگاه اجرایی مربوطه، مستقیماً برای دولت بار مالی به همراه داشته و یا از بار مالی دولت می‌کاهد. این گروه از تذکرات خود به دو نوع تذکرات بودجه‌ای عمرانی و تذکرات معطوف به بودجه جاری تفکیک می‌شوند که در ادامه ضمن تعریف هر یک به مصادیق آن‌ها نیز اشاره خواهد شد.

تذکرات بودجه‌ای عمرانی: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای که به پیگیری تصویب، تأمین اعتبار، تکمیل تجهیزات و یا تسریع در اجرای طرح‌های عمرانی می‌پردازند. به عنوان مثال مواردی از قبیل «تذکر درخصوص راه‌اندازی دانشگاه...»، «تذکر درخصوص ضرورت چهارخطه نمودن جاده...»، «تذکر درخصوص تسریع در ساخت سد...»، «تذکر درخصوص مطالعه احداث فرودگاه...» و ... در گروه تذکرات بودجه‌ای عمرانی قرار خواهند گرفت.

تذکرات بودجه‌ای عمرانی منطقه‌ای: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای عمرانی که موضوع آن طرح‌های عمرانی خاص یک استان یا محدوده‌ای درون یک استان است. در این خصوص می‌توان

۱- در این خصوص از نظرات کارشناسان دفتر مطالعات برنامه و بودجه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بهره گرفته شده است.

به مواردی همچون «تذکر در خصوص تأمین اعتبار مناسب برای تسریع در اتمام طرح احداث سد شهر بیجار»، «تذکر در خصوص اجرائی نمودن راه آهن تربت حیدریه به کاشمر»، «تذکر در خصوص راه اندازی فرودگاه پارس آباد»، «تذکر در خصوص رسیدگی به رکود طرح‌های عمرانی و حمل و نقل استان کرمانشاه» اشاره کرد.

تذکرات بودجه‌ای عمرانی ملی: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای عمرانی که موضوع آن طرح‌های عمرانی فراتر از محدوده یک استان است. در این خصوص می‌توان به مواردی از قبیل «تذکر در خصوص دستور برخورد جدی با تبعیض وزارت راه در قبال راه آهن غرب کشور»، «تذکر در خصوص دستور ابلاغ سریع اعتبارات طرح‌های وزارت راه و ترابری مربوط به قانون بودجه سال ۸۸»، «تذکر در خصوص افزایش اعتبار طرح راه آهن قزوین - رشت - آستارا در بودجه سال ۱۳۸۹» اشاره کرد.

تذکرات بودجه‌ای جاری: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای که به پیگیری استخدام نیرو در دستگاه‌های دولتی، پیگیری حقوق و مزایای کارکنان دستگاه‌های دولتی و یا پیگیری پرداخت‌های بلاعوض به گروه‌ها و افراد مختلف جامعه می‌پردازند.^۱ در این گروه از تذکرات می‌توان به مواردی همچون «تذکر در خصوص ضرورت پرداخت خسارات خشکسالی به کشاورزان و تمدید وام‌های آنان»، «تذکر در خصوص لزوم تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی»، «تذکر در خصوص تسریع در پرداخت پاداشت پایان خدمت بازنشستگان فرهنگی»، «تذکر در خصوص دستور اختصاص سهام عدالت به کارگران کشور» اشاره کرد.

تذکرات بودجه‌ای جاری منطقه‌ای: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای جاری که منافع افراد ساکن در یک استان یا محدوده‌ای درون یک استان را دنبال می‌کنند. به این اعتبار تذکراتی مانند «تذکر در خصوص دستور قرارداد استان قزوین در فهرست استان‌های خسارت‌دیده از خشکسالی و سرمازدگی»، «تذکر در خصوص لزوم پرداخت مطالبات فرهنگیان شهرستان کرج»، «در خصوص پرداخت و جبران خسارات ناشی از سرمازدگی شدید سال گذشته به مرغداران استان قزوین» و یا

۱- اگرچه تذکرات بودجه‌ای جاری علاوه بر پیگیری پرداخت‌های انتقالی موارد دیگری همچون استخدام نیرو یا افزایش حقوق و دستمزد کارکنان ادارات دولتی را نیز در بر می‌گیرد، در این تحقیق با همه این مقولات به عنوان شکلی از سیاست توزیعی برخورد شده است.

«تذکر درخصوص اعلام علت حذف و عدم تأمین اعتبار حق محرومیت فرهنگیان در نقاط شهری استان لرستان بخصوص پلدختر و معمولان» در شمار تذکرات بودجه‌ای جاری منطقه‌ای قرار می‌گیرند چرا که منافع افراد ساکن در یک استان یا محدوده‌ای درون یک استان را دنبال می‌کنند.

تذکرات بودجه‌ای جاری ملی: آن دسته از تذکرات بودجه‌ای جاری که منافع یک گروه از افراد جامعه را در سرتاسر کشور و بدون توجه به منطقه (استان) محل سکونتشان دنبال می‌کنند. در این خصوص می‌توان مواردی از قبیل «تذکر درخصوص اصلاح در ابلاغ شیوه‌نامه غیرکارشناسی ساماندهی مدیریت نیروی انسانی، حذف اضافه‌کاری کادر اداری، اجبار تدریس مدیران در مدارس و شائبه حذف تربیت معلم»، «درخصوص لزوم تعیین تکلیف معلمان حق‌التدریسی»، «درخصوص اعلام علت عدم پرداخت معادل (۱۰) درصد حق بیمه صیادان با توجه به مصوبه هیأت دولت و گذشت بیش از یکسال و نیم» و یا «درخصوص تسریع در تخصیص اعتبار مرحله دوم وام کشاورزان خسارت‌دیده در سال ۱۳۸۸ به بانکهای کشاورزی و دیگر بانک‌های عامل» را نام برد.

پردازش اطلاعات:

گام نخست: تفکیک تذکرات بودجه‌ای و غیربودجه‌ای

در این مرحله با استناد به تعاریف عملیاتی فوق، تذکرات کدگذاری و به دو گروه تذکرات بودجه‌ای و غیربودجه‌ای تفکیک شده‌اند. بر این اساس از مجموع ۷۱۳۵ تذکر ایراد شده توسط نمایندگان، ۳۱۳۱ تذکر (معادل ۴۴ درصد) در گروه تذکرات غیربودجه‌ای و ۴۰۰۴ تذکر (معادل ۵۶ درصد) در شمار تذکرات بودجه‌ای جای گرفته‌اند.^۱

گام دوم: دسته‌بندی تذکرات بودجه‌ای

در این مرحله پس از کنار گذاشتن تذکرات غیربودجه‌ای، تذکرات بودجه‌ای بر حسب اندازه حوزه‌های انتخابیه نمایندگان دسته‌بندی شده‌اند. جدول (۳) ترکیب تذکرات نمایندگان حوزه‌های

۱- در این مرحله برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی نتایج که میزان توافق میان کدگذاران را نشان می‌دهد، از آزمون کربیندورف استفاده شده است. ضریب آلفای کربیندورف در تفکیک تذکرات بودجه‌ای و غیربودجه‌ای معادل ۰/۸۴ به دست آمده است که از اتفاق نظر قابل قبولی میان کدگذاران حکایت دارد.

مختلف را نمایش می دهد.

جدول (۳): تعداد و ترکیب تذکرات نمایندگان حوزه های مختلف

اندازه حوزه انتخابیه	تک کرسی	۲ کرسی	۳ کرسی	۴ کرسی	۵ کرسی	۶ کرسی	۳۰ کرسی	جمع کل
تعداد تذکرات بودجه ای	۲۴۴۴	۱۰۲۲	۳۸۶	۵۷	۵	۵۶	۳۴	۴۰۰۴
سهم (درصد)	۶۱/۰۴	۲۵/۵	۹/۶۴	۱/۴۲	۰/۱۲	۱/۴۰	۰/۱۸۵	۱۰۰
تعداد نمایندگان	۱۷۲	۴۴	۲۴	۴	۱۰	۶	۳۰	۲۹۰
سهم (درصد)	۵۹/۳	۱۵/۲	۸/۳	۱/۴	۳/۴	۲/۱	۱۰/۳	۱۰۰
ضریب سهم تذکرات به سهم نمایندگان (درصد)	۱/۰۳	۱/۶۸	۱/۱۶	۱/۰۱	۰/۰۴	۰/۶۷	۰/۰۸	۱۰۰

مأخذ: یافته های تحقیق

همان طور که در این جدول مشاهده می شود، اکثریت مطلق تذکرات بودجه ای ارائه شده در مجلس، توسط نمایندگان حوزه های انتخابیه تک نماینده مطرح شده اند. این گروه از نمایندگان ۲۴۴۴ مورد از ۴۰۰۴ تذکر بودجه ای (بالغ بر ۶۱ درصد) را به خود اختصاص داده اند. پس از آن نمایندگان حوزه های انتخابیه ۲ و ۳ نماینده قرار دارند که به ترتیب با ۲۵,۵۲ و ۹,۶۴ درصد تذکرات، در رده های بعدی قرار دارند. در مجموع می توان گفت ۹۶,۲ درصد از تذکرات بودجه ای (۳۸۵۲ مورد از ۴۰۰۴ تذکر) به حوزه های انتخابیه ۳ نماینده و کمتر اختصاص داشته و سهم نمایندگان حوزه های ۴ نماینده و بیشتر (یعنی کلان شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و تهران) چیزی کمتر از ۴ درصد کل تذکرات بودجه ای (تنها ۱۵۲ مورد از ۴۰۰۴ تذکر) است. با این حال برای سنجش تناسب تذکرات مربوط به حوزه های مختلف با تعداد نمایندگان آنها، می توان از ضریب سهم تذکرات به سهم نمایندگان استفاده کرد. ضریب مذکور نشان می دهد که سهم تذکرات نمایندگان حوزه های انتخابیه یک تا چهار نماینده، بیش از سهم نسبی شان در جمعیت نمایندگان است. این ضریب در حوزه های ۲ نماینده از بیشترین مقدار (معادل ۱/۶۸) و در حوزه های ۵ نماینده از کمترین مقدار (معادل ۰/۰۴) برخوردار است.

گام سوم: نمونه گیری

در این مرحله به روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای، از تذکرات ارائه شده نمونه گیری به عمل آمده است. لازم به ذکر است با توجه به ویژگی‌های مشترک کلان‌شهرهای شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و تهران و همچنین تعداد اندک تذکرات هر یک از آنها، در ادامه اطلاعات این ۵ حوزه انتخابیه با یکدیگر جمع و در امر نمونه‌گیری با آنها به عنوان یک طبقه واحد برخورد شده است. جدول (۴) تعداد تذکرات هر طبقه و حجم نمونه انتخاب شده از آن طبقه را نمایش می‌دهد.

جدول (۴): حجم نمونه و جامعه آماری

نام طبقات	طبقه (۱) حوزه‌های تک‌کرسی	طبقه (۲) حوزه‌های ۲ کرسی	طبقه (۳) حوزه‌های ۳ کرسی	طبقه (۴) حوزه‌های ۴ کرسی و بیشتر
حجم جامعه آماری	۲۴۴۴	۱۰۲۲	۳۸۶	۱۵۲
حجم نمونه آماری	۱۳۵۶	۵۶۹	۲۱۳	۸۶

گام چهار: تحلیل محتوای تذکرات نمونه

این مرحله به تحلیل محتوای تذکرات نمونه آماری اختصاص دارد. بدین منظور با استفاده از تعاریف ارائه شده در بخش قبل، تذکرات مذکور توسط کدگذاران به دو گروه تذکرات بودجه‌ای عمرانی و تذکرات بودجه‌ای جاری تفکیک شده‌اند.^۱ تذکرات ذیل هر یک از این دو گروه نیز مجدداً تحلیل و به دو گروه تذکرات منطقه‌ای و تذکرات ملی افزاشده‌اند.^۲

نتایج تحقیق:**تحلیل نتایج**

در ادامه و در قالب جداول (۵) تا (۷)، برخی نتایج حاصل از تحلیل محتوای تذکرات ارائه

۱- ضریب آلفای کریپندورف در تفکیک تذکرات بودجه‌ای جاری و عمرانی معادل ۰/۸۸ به دست آمده است که از اتفاق نظر قابل قبولی میان کدگذاران حکایت دارد.

۲- ضریب آلفای کریپندورف در تفکیک تذکرات عمرانی ملی و منطقه‌ای معادل ۰/۸۳ و در تفکیک تذکرات جاری ملی و منطقه‌ای معادل ۰/۸۶ به دست آمده است که هر دو مورد نشان دهنده اتفاق نظر قابل قبول میان کدگذاران است.

گردیده است. جدول (۵)، ترکیب تذکرات بودجه‌ای جاری و عمرانی نمایندگان را به تفکیک حوزه‌های انتخابیه نمایش می‌دهد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود نمایندگان حوزه‌های یک، دو و سه کرسی، انجام طرح‌های عمرانی را بیش از اجرای سیاست‌های توزیعی پیگیری نموده‌اند. اما در حوزه‌های انتخابیه ۴ کرسی و بیشتر، نمایندگان گرایش بیشتری به پیگیری سیاست‌های توزیعی از خود نشان داده‌اند. با این حال سهم اندک تذکرات مربوط به حوزه‌های انتخابیه ۴ کرسی و بیشتر، موجب شده است که این گروه تغییر محسوسی در ترکیب تذکرات ایجاد نکند و در مجموع کفه ترازوی تذکرات به نفع تذکرات عمرانی سنگینی کند.

جدول (۵): سهم تذکرات جاری و عمرانی نمایندگان حوزه‌های مختلف

اندازه حوزه انتخابیه		تذکرات بودجه‌ای عمرانی		تذکرات بودجه‌ای جاری		کل تذکرات بودجه‌ای	
تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم
۸۳۸	۶۲	۵۱۸	۳۸	۱۳۵۶	۱۰۰		
۳۷۸	۶۶	۱۹۱	۳۴	۵۶۹	۱۰۰		
۱۲۷	۶۰	۸۶	۴۰	۲۱۳	۱۰۰		
۴۱	۴۸	۴۵	۵۲	۸۶	۱۰۰		
۱۳۸۴	۶۲	۸۴۰	۳۸	۲۲۲۴	۱۰۰		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۶) به مقایسه سهم تذکرات نمایندگان حوزه‌های مختلف می‌پردازد. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود خاستگاه قریب به ۶۲ درصد از کل تذکرات بودجه‌ای عمرانی، حوزه‌های تک کرسی است. ۲۷ درصد تذکرات بودجه‌ای عمرانی مطالبات حوزه‌های ۲ کرسی را پیگیری می‌کنند. ۹ درصد این تذکرات توسط نمایندگان حوزه‌های ۳ کرسی طرح گردیده‌اند و در نهایت ۳ درصد این تذکرات توسط نمایندگان حوزه‌های ۴ کرسی و بیشتر (کلان‌شهرهای کشور) مطرح شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که سهم تذکرات بودجه‌ای عمرانی ایراد شده توسط نمایندگان حوزه‌های انتخابیه کوچک‌تر بیش از حوزه‌های بزرگ‌تر بوده است. این روند در مورد تذکرات بودجه‌ای جاری نیز صادق است. مطابق با جدول (۵)، سهم تذکرات بودجه‌ای جاری در حوزه‌های تک کرسی، ۲ کرسی، ۳ کرسی و کلان‌شهرها به ترتیب ۶۲، ۲۳، ۱۰ و ۵ درصد بوده

جدول (۶): سهم تذکرات نمایندگان حوزه‌های مختلف از کل تذکرات

اندازه حوزه انتخابیه	تذکرات بودجه‌ای عمرانی		
	تعداد	تذکرات بودجه‌ای جاری	کل تذکرات بودجه‌ای
تک کرسی	۸۳۸	۵۱۸	۱۳۵۶
	سهم	۶۲	۶۱،۰
۲ کرسی	۳۷۸	۱۹۱	۵۶۹
	سهم	۲۳	۲۵،۶
۳ کرسی	۱۲۷	۸۶	۲۱۳
	سهم	۱۰	۹،۶
۴ کرسی و بیشتر	۴۱	۴۵	۸۶
	سهم	۵	۳،۹
جمع	۱۳۸۴	۸۴۰	۲۲۲۴
	سهم	۱۰۰	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) ترکیب تذکرات بودجه‌ای ملی و منطقه‌ای نمایندگان را به تفکیک حوزه‌های انتخابیه نمایش می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در نمونه مورد بررسی، تمامی نمایندگان صرف نظر از اندازه حوزه انتخابیه، در پیگیری سیاست‌های عمرانی، اهداف منطقه‌ای را بیش از اهداف ملی مد نظر قرار داده‌اند. در مورد سیاست‌های بودجه‌ای جاری این وضعیت کمی متفاوت است چرا که در پیگیری این سیاست‌ها، نمایندگان حوزه‌های ۴ کرسی و بیشتر، وزن بالاتری را برای اهداف ملی در نظر داشته‌اند. با این حال رفتار نمایندگان حوزه‌های ۳ کرسی و کمتر در پیگیری سیاست‌های بودجه‌ای جاری و عمرانی تفاوت چندانی ندارد.

جمع‌بندی

در این بخش با استفاده از آزمون‌های «نسبت موفقیت» و «مقایسه نسبت موفقیت»، فرضیه‌های تحقیق آزمون شده و نتایج آن در جدول (۸) ارائه گردیده است. در مجموع از نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نکات ذیل استنتاج می‌شود:

اگرچه بر اساس مبانی نظری تحقیق، انتظار بر این است که نمایندگان حوزه‌های تک کرسی بیش از حوزه‌های چند کرسی، به اجرای طرح‌های عمرانی متمایل باشند، نتایج این تحقیق بر اساس اطلاعات نمونه نشان می‌دهد که در کشور ایران نمایندگان حوزه‌های ۳ کرسی و کمتر

خدمت‌رسانی به حوزه‌های انتخابیه را بیشتر از طریق پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی و نمایندگان حوزه‌های ۴ کرسی و بیشتر این وظیفه را بیشتر از طریق پیگیری سیاست‌های توزیعی دنبال می‌کنند. به بیان بهتر در ایران نمایندگان حوزه‌های ۲ و ۳ کرسی رفتاری مشابه رفتار نمایندگان حوزه‌های تک کرسی و البته متفاوت با نمایندگان حوزه‌های چهار کرسی و بیشتر از خود بروز می‌دهند.

جدول (۷): ترکیب تذکرات ملی و منطقه‌ای نمایندگان حوزه‌های مختلف

کل تذکرات بودجه‌ای		تذکرات بودجه‌ای جاری				تذکرات بودجه‌ای عمرانی				اندازه حوزه انتخابیه		
منطقه‌ای		منطقه‌ای		منطقه‌ای		منطقه‌ای		منطقه‌ای				
تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم	تعداد	سهم			
۲۵	۳۳۷	۷۵	۱۰۱۹	۴۶	۲۳۹	۵۴	۲۷۹	۱۲	۹۸	۸۸	۷۴۰	تک‌نماینده
۲۲	۱۲۴	۷۸	۴۴۵	۴۳	۸۳	۵۷	۱۰۸	۱۱	۴۱	۸۹	۳۳۷	۲ نماینده
۳۱	۶۵	۶۹	۱۴۸	۴۱	۳۵	۵۹	۵۱	۲۴	۳۰	۷۶	۹۷	۳ نماینده
۵۶	۴۸	۴۴	۳۸	۸۰	۳۶	۲۰	۹	۲۹	۱۲	۷۱	۲۹	۴ نماینده و بیشتر
۲۶	۵۷۴	۷۴	۱۶۵۰	۴۷	۳۹۳	۵۳	۴۴۷	۱۳	۱۸۱	۸۷	۱۲۰۳	جمع کل

مأخذ: یافته‌های تحقیق

مطابق با یافته‌های تحقیق، نمایندگان دوره هشتم مجلس شورای اسلامی صرف نظر از اندازه حوزه انتخابیه‌شان در پیگیری اجرای طرح‌های عمرانی، برای اهداف منطقه‌ای اولویت بالاتری نسبت به اهداف ملی قائل بوده‌اند.

در مورد کل سیاست‌های بودجه‌ای نیز می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد ادعا کرد که نمایندگان، در حوزه‌های ۳ کرسی و کمتر بیش از آنکه به اهداف ملی بیندیشند، اهداف منطقه‌ای را رعایت می‌کنند.

یافته‌های فوق را بیش از هر چیز باید در پرتوی نظام انتخاباتی و نیز درجه تعمیق فرهنگ حزب در کشور تفسیر نمود. توسعه‌نیافتگی احزاب و فقدان فرهنگ حزب در پیوند با نظام انتخاباتی کشور، شرایطی را رقم زده است که در آن به جای کارنامه حزب یا گروه‌های سیاسی، این عملکرد فردی نمایندگان است که نتیجه انتخابات را تعیین می‌کند.

حوزه‌های انتخابیه خود را از طریق سیاست‌هایی دنبال کنند که به شکل مؤثرتری عملکرد فردی آنها را منعکس نماید. برون‌رفت از این وضعیت و گذار به شرایطی که در آن نمایندگان مجلس اقبال بیشتری نسبت به اهداف ملی داشته باشند، نیازمند اصلاح محیط نهادی حاکم بر فعالیت آنان است. بسترسازی برای رشد و تعمیق فعالیت احزاب و اصلاح نظام انتخاباتی به گونه‌ای که به جای فعالیت فردی نمایندگان مشوق فعالیت احزاب باشد، می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

References

- 1- Political Studies Group. (2002) Amalgamation of Constituencies. Research Center of Islamic Consultative Assembly (Majlis). Report Number: 6458. (in Persian)
- 2- Behnia, M., (2009) Exploring Economic Systems. Research Center of Islamic Consultative Assembly (Majlis). Law Studies Group. Report Number: 10075. (in Persian)
- 3- Taghizadehd, J., & Zarghami, Sh. (2009) Provincialization of the Islamic Consultative Assembly Elections. *Iranian Political Science Association*. Vol. 4, no 4. (in Persian)
- 4- Saeed, P., & Nouri Nia, H., & Mohammad Ali Pour, F. (2002) A Research about Manner and Motivation in Constituency Services. Research Center of Islamic Consultative Assembly (Majlis). Report Number: 7019. (in Persian)
- 5- Ashworth, S., & Mesquita, E. B. d. (2006) Delivering the Goods: Legislative Particularism in Different Electoral and Institutional Setting. *The Journal of Politics*, 68, 168-179.
- 6- Ashworth, S., & Mesquita, E. B. d. (2007). *Electoral Selection, Strategic Challenger Entry, and the Incumbency Advantage*. Princeton University.
- 7- Baqir, Reza (2002). Districting and Government Overspending. *Journal of Political Economy*, 110, no. 6, 1318-1354.
- 8- Black, Duncan. (1948). On the Rationale of Group Decision-Making. *Journal of Political Economy*, 56, 23-34.
- 9- Chang, E. C. C. (2008) Electoral Incentives and Budgetary Spending: Rethinking the Role of Political Institutions. *The Journal of Politics*, 20(4), 1056-1097.
- 10- Downs, Anthony. (1957). An Economic Theory of Political Action in a Democracy. *The Journal of Political Economy*, 65(2), 135-150.
- 11- Hallerberg, Mark. (2000). The Importance of Domestic Political Institutions: Why and How Belgium and Italy Qualified for EMU. *ZEI Discussion Paper*. ZEI, University of Bonn.
- 12- Hallerberg, Mark, & Marier, Patrik (2004). Executive Authority, the Personal Vote, and Budget Discipline in Latin American and Caribbean Countries. *American Journal of Political Science*, 48, 571-587.
- 13- Hallerberg, Mark, & Von Hagen, Jurgen. (1999). Electoral Institutions.

- Cabinet Negotiations, and Budget Deficits in the EU. In: Jim Poterba and Jurgen von Hagen. (1999)
- 14-Helland, L., & Sorensen, R. J. (2009). Geographical Redistribution with Disproportional Representation: A Politico-Economic Model of Norwegian Road Projects. *Public Choice*, 139, 5-19.
 - 15-Iversen, T., & Soskice, D. (2006). Electoral Institutions and the Politics of Coalitions: Why Some Democracies Redistribute More Than Others. *American Political Science Review*, 165-181.
 - 16-Keefer, P., & Khemani, S. (2009). When Do Legislators Pass on "Pork"? The+ Determinants Of Legislator Utilization of Constituency Development Fund India. *The World Bank, Policy Research Working Paper 929*.
 - 17-Lancaster, Thomas D. (1986). Electoral Structures and Pork Barrel Politics. *International Political Science Review*, 7, No. 1, (Public Policy and Government Structures), 67-81.
 - 18-Lledo, V. (2003). *Electoral Systems, Legislative Fragmentation, and Public Spending: A Comparative Analysis of Brazilian State*. Paper presented at the 2003 meeting of the Latin American Studies Association.
 - 19-Lundell, Krister (2005). Contextual Determinants of Electoral System Choice; A Macro Comparative Study (1945-2003), Finland, ÅBO Akademi University Press.
 - 20-Limosani, Michele, & Navarra, Pietro. (2001). Local pork-barrel politics in national pre-election dates: The case of Italy. *Public Choice*, 106, 317-326.
 - 21-Lizzeri, Alessandro, & Persico, Nicola. (2001). The Provision of Public Goods under Alternative Electoral Incentives. *American Economic Review*, 91, 225-239.
 - 22-Milesi-Ferretti, Gian-Maria, Perotti, Roberto, & Rostagno, Massimo (2002). Electoral Systems and the Composition of Public Spending. *Quarterly Journal of Economics*, 117, 609-657.
 - 23-Niskanen, William A. (1990). Conditions Affecting the Survival of Constitutional Rules. *Constitutional Political Economy*, 53-62.
 - 24-Olson, Mancur. (1965). *The Logic of Collective Action*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
 - 25-Persson, Torsten, Tabellini, Guido, & Trebbi, Francesco (2003). Electoral Rules and Corruption. *Journal of the European Economic Association* 1: 958-989.
 - 26-Persson, Torsten, & Tabellini, Guido. (1999). the Size and Scope of Government: Comparative Politics with Rational Politicians. *European Economic Review*, 43, 699-735.
 - 27-Persson, Torsten, & Tabellini, Guido. (2000). *Political Economics Explaining Economic Policy*. London, England: The MIT Press Cambridge, Massachusetts.
 - 28-Persson, Torsten, & Tabellini, Guido. (2003). *The Economic Effects of Constitutions*. Cambridge, MA: MIT Press.
 - 29-Persson, Torsten, & Tabellini, Guido. (2004). *Constitutions and Economic*

- Policy. *Journal of Economic Perspectives*, 18 75-98.
- 30-Roubini, Nouriel, & Sachs, Jeffrey D. (1989). Political and Economic Determinants of Budget Deficits in the Industrial Democracies. *European Economic Review*, 33, 903-938.
- 31-Schwartz, Thomas. (1994). Representation as agency and the Pork Barrel Paradox. *Public Choice* 78, 3-21.
- 32-Shepsle, Kenneth A, & Weingast, Barry R. (1981). Political Preferences for the Pork Barrel: A Generalization. *American Journal of Political Science*, 25, No. 1, 96-111.
- 33-Skilling, David. (2001). Policy Coordination, Political Structure, and Public Debt: The Political Economy of Public Debt Accumulation in OECD Countries since 1960. PhD Dissertation, Harvard University
- 34-Snyder, James M., & Michiko, Ueda. (2007). Do Multimember Districts Lead to Free-Riding? *Legislative Studies Quarterly*, XXXII, 4.
- 35-Stein, Ernesto, Grisanti, Alejandro, & Talvi, Ernesto (1999). Institutional Arrangements and Fiscal Performance: The Latin American Experience. In Poterba and von Hagen. 1999.
- 36-Stratmann, Thomas, & Baur, Martin (2002). Plurality Rule, Proportional Representation, and the German Bundestag: How Incentives to Pork-Barrel Differ across Electoral Systems. *American Journal of Political Science*, Vol. 46, No. 3, 506-514.
- 37-Tabellini, Guido. (2000). Constitutional Determinants of Government Spending. Working Paper IGIER. Bocconi University.
- 38-Tullock, Gordon. (1989). *The Economics of Special Privilege and Rent-Seeking*. Boston: Kluwer Academic Publishers.
- 39-Von Hagen, Jurgen (2002). Fiscal Rules, Fiscal Institutions, and Fiscal Performance. *The Economic and Social Review*, 33, 263-284.
- 40-Weingast, Barry, Shepsle, Kenneth, & Johnsen, C. (1981). The Political Economy of Benefits and Costs: A neoclassical Approach to Distributive Politics. *Journal of Political Economy*, 89 no. 4, 642-664.
- 41-Wibbels, Eric. (2003). Bailouts, Budget Constraints, and Leviathans: Comparative Federalism and Lessons from the Early United States. *Comparative Political Studies* 36, 475-508.